

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان، نومبر ۱۹۹۳ م

قربانگاه کابل

در برم دل شور و غلغل می کند
همدمی دارم که از درد وطن
از قصاب کوچه بگوید داستان
از دهان جاده و از تخته پل
گفتمش حرفی بزن بی پرده گفت
گفتمش کار منافق چیست، گفت
گفتمش راکت که میبارد به شهر
چنگ زد گرگی درین عشرتسرا
میخ میکوبد که در سر، گفتمش
سینه زن را بریده کیست، گفت
گفتم از وحدت خبر نبود چرا
صدراعظم چون نمی آید به شهر
گفتمش تنها به کابل این جفاست
گفت شیری کش مجاهد نام بود
هر یکی با مکر و تزویر و ریا
مال مردم را بغارت می برد
زیر نام دین گلی داده به آب
جزء و تام جامعه خورده بهم
مردم عاجز ازین جنگ و جدل
هر چه می بیند تحمل می کند

انتقاد تو «اسیر» از حد گذشت

بیخ گوشت نی که جُلجُل می کند